

# وضعیت رشته علوم سیاسی؛ اکنون و آینده؛

ارزیابی یازدهمین همایش سالانه  
انجمن علوم سیاسی ایران، اسفند ۱۳۹۶

حسین جمالی\*  
مکرمه جمالی\*\*



## چکیده

همایش‌های سالانه انجمن علوم سیاسی ایران که از سال ۱۳۸۶ آغاز شده است، با ده سال پیشینه برگزاری، یکی از برنامه‌های منظم این انجمن است. آخرین همایش سالانه این انجمن با عنوان «وضعیت رشته علوم سیاسی؛ اکنون و آینده» در اسفند ۱۳۹۶ برگزار شد. پرسش اصلی بررسی حاضر این است که این همایش، به چه میزان، با استانداردهای همایش سالانه یک

---

\* (نویسنده مسئول) استادیار، عضو هیئت علمی بازنشسته گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران (hoosein.jamali@gmail.com)  
\*\* دانش آموخته کارشناسی نرم‌افزار کامپیوتر، قائمشهر، ایران (raha.jamali@gmail.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۹

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۷، صص ۷۲-۳۹

انجمن علمی، هماهنگی دارد و محتوای در دسترس، تا چه حد، دستاورد یک‌ساله علوم سیاسی ایران را بازتاب می‌دهد؟ روش انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده است. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش عبارتند از اینکه: این همایش تا حدودی، دستاوردهای یک‌ساله علوم سیاسی ایران را بازتاب می‌دهد، نشانه‌هایی از بهبود و پیشرفت این دانش را منعکس می‌کند، و با استانداردهای همایش‌های علمی، نسبتاً هماهنگی دارد. افزون‌براین، شرکت‌کنندگان در همایش، به نمایندگی از اکثریت جامعه علوم سیاسی ایران، موضوعات تخصصی سیاسی ایران را در چارچوب دانش متعارف علوم سیاسی، تجزیه و تحلیل می‌کنند و در نقطه مقابل، اقلیت اندکی، به تحول بنیادین و ماهوی این دیسپلین نظر دارند. همچنین، علوم سیاسی ایران، بنابر تحلیل ارائه‌کنندگان سخنرانی‌های علمی و چکیده مقالات، در شرایط بحرانی است و ناکارآمد کردن این دانش، به دلیل بی‌بهره بودن دولتمردان کنونی ایران از تحلیل‌ها، قواعد، و یافته‌های آن، از معضلات اصلی این رشته است. اصلاح این وضعیت دانش سیاسی در ایران نیز تنها در گرو این است که نظام سیاسی حاکم، مرجعیت علم سیاست در حوزه سیاست‌گذاری عمومی و قواعد حکمرانی خوب را بپذیرد.

واژگان کلیدی: انجمن علوم سیاسی ایران، دستاورد، بهبود، همایش سالانه، رشته علوم سیاسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

انجمن علوم سیاسی ایران که در سال ۱۳۸۵ تأسیس شد، با برگزاری همایش‌های سالانه منظم، تلاش می‌کند امکانی را برای عرضه یافته‌های استادان و دانشجویان علوم سیاسی در ایران فراهم کند. این انجمن از آغاز تاکنون، یازده همایش سالانه را برگزار کرده است که روی هم رفته، شش گونه موضوعی، شامل آموزش و پژوهش در علوم سیاسی ایران (۶ مورد)، در طول پنج سال نخست و سال ۱۳۹۶، خاورمیانه‌شناسی (یک مورد، ۱۳۹۱)، سیاست دوستی (یک مورد، ۱۳۹۲)، دیپلماسی هسته‌ای (یک مورد، ۱۳۹۳)، سیاست و شهر (یک مورد، ۱۳۹۴) و فکر سیاسی (یک مورد، ۱۳۹۵) را دربر می‌گیرد.

جدول شماره (۱). همایش‌های سالانه انجمن علوم سیاسی ایران

ردیف	سال	موضوع	مکان	زمان
۱	۱۳۸۶	آموزش علوم سیاسی؛ چشم‌اندازها و راهکارها	دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۲۶ و ۲۷ اردیبهشت
۲	۱۳۸۷	آموزش علوم سیاسی؛ چشم‌اندازها و راهکارها	دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۷ و ۸ خرداد
۳	۱۳۸۸	وضعیت پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران	دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۲۳ اردیبهشت
۴	۱۳۸۹	ایران، سیاست آینده‌شناسی	دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی	۱۲ خرداد
۵	۱۳۹۰	رویکرد ایرانی به دانش سیاست	تالار بتهوون، خانه هنرمندان	۵ خرداد
۶	۱۳۹۱	امنیت منطقه‌ای در یرتو تحولات جهانی: تحلیل علمی دگرگونی‌های خاورمیانه	خانه اندیشمندان علوم انسانی	۲۰ مهر
۷	۱۳۹۲	حکمرانی، سیاست و دوستی	خانه اندیشمندان علوم انسانی	۲۶ اردیبهشت
۸	۱۳۹۳	دیپلماسی هسته‌ای	دانشکده حقوق، و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی	۲۰ آبان
۹	۱۳۹۴	سیاست و شهر	خانه اندیشمندان علوم انسانی	۲ دی
۱۰	۱۳۹۵	همایش وضعیت فکر سیاسی در ایران معاصر	خانه اندیشمندان علوم انسانی	۵ اسفند
۱۱	۱۳۹۶	وضعیت رشته علوم سیاسی؛ اکنون و آینده	خانه اندیشمندان علوم انسانی	۱۰ اسفند

بررسی «وضعیت رشته<sup>۱</sup>» یکی از روندهای متعارف و متداول در رشته‌های دانشگاهی است؛ به‌عنوان مثال، انجمن علوم سیاسی امریکا، در سال ۲۰۱۰، کتاب «علوم سیاسی؛ وضعیت رشته<sup>۲</sup>» را منتشر کرد و انتشار و ترجمه کتاب «آینده علوم سیاسی» (کینگ و دیگران، ۱۳۹۶) نیز مربوط به این حوزه است. در ایران، افزون‌بر انجمن علوم سیاسی که تا به حال شش همایش سالانه خود را به آن اختصاص داده است، دانش‌آموختگان این رشته نیز پژوهش‌هایی را انجام داده‌اند که در قالب‌های زیر قابل تقسیم هستند: «کلیت رشته علوم سیاسی» (حقیقت، ۱۳۹۱؛ پزشکی، ۱۳۹۳؛ نظری، ۱۳۹۶؛ برزگر، ۱۳۸۱؛ برزگر و سرپرست‌سادات، ۱۳۸۹؛ دلاوری، ۱۳۸۵؛ باوی، ۱۳۷۷)، «بومی‌گرایی در علوم سیاسی ایران» (بزرگمهری، ۱۳۸۹؛ مشیرزاده، ۱۳۹۰؛ برزگر، ۱۳۸۹؛ حسینی واسوکلابی و جمالی، ۱۳۹۴؛ جمالی، ۱۳۹۰)، «مطالعه موردی واحدهای درسی» (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۹؛ مقصودی، ۱۳۸۹؛ ستوده‌کار، ۱۳۷۲؛ کریمی، ۱۳۸۵؛ دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹؛ جمالی، ۱۳۸۷)، «پایان‌نامه‌های دانشجویی» (مقصودی، ۱۳۸۵؛ مشیرزاده، ۱۳۸۹؛ افتخاری، ۱۳۸۵)، «روش‌شناسی در علوم سیاسی» (سیدامامی، ۱۳۸۷؛ توحیدفام، ۱۳۸۹؛ خلیلی، ۱۳۸۹؛ هرسیج، ۱۳۸۱)، «آزمون‌های کارشناسی ارشد» (جمالی، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)، «پژوهش و تحقیقات علوم سیاسی» (سیدامامی، ۱۳۸۹؛ تقوی و ادیبی، ۱۳۸۹). البته، آخرین نمونه آن، کتاب «احیای علوم سیاسی» (بشیریه، ۱۳۹۶) است. معمولاً مواردی مانند روند تحولات، مهم‌ترین موضوعات مطالعاتی و پژوهشی، چالش‌های اصلی، و جهت‌گیری آینده رشته، در این طیف از آثار، بررسی و تحلیل می‌شوند. انجمن علوم سیاسی ایران در مقوله بررسی وضعیت این رشته، اقداماتی مانند ارائه لایحه مقابله با تقلب علمی و دانشگاهی، برگزاری نشست‌های تخصصی، و صدور بیانیه و تحلیل تحول در برنامه درسی رشته را نیز انجام داده است. از آنجاکه یازدهمین همایش انجمن علوم سیاسی ایران در سال ۱۳۹۶ با موضوع «وضعیت رشته علوم سیاسی؛ اکنون و آینده»، به همین امر خطیر اختصاص داشته است، در اینجا، به ارزیابی آن به‌مثابه بررسی «وضعیت رشته علوم سیاسی در ایران» می‌پردازیم.

1. State of Discipline
2. Political Science: State of the Discipline

یازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۹۶ در سالن‌های فردوسی و حافظ خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این گردهمایی یک‌روزه نسبتاً طولانی (از حدود ساعت ۹ صبح تا ۸ شب)، پس از خیرمقدم رئیس انجمن (دکتر سید عبدالامیر نبوی) و گزارش کوتاه دبیر علمی همایش (دکتر حمید احمدی)، آقای دکتر محمود سریع‌القلم به‌عنوان سخنران افتتاحیه، سخنرانی کرد. پس از آن، نخستین نشست همایش با عنوان «علوم سیاسی در ایران امروز» با شش سخنرانی علمی اعلام‌شده، برگزار شد که تنها یک نفر از سخنرانان، امکان حضور نیافت. در بخش بعدی، از کتاب «احیای علوم سیاسی»، نوشته آقای دکتر حسین بشیریه، رونمایی شد. پیش از ادامه برنامه اعلامی همایش، چند تن از دانشجویان، به نمایندگی از برخی انجمن‌های علمی رشته علوم سیاسی، دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل علوم سیاسی ایران بیان کردند. نشست دوم و سوم، به‌طور هم‌زمان، با محوریت موضوع «علوم سیاسی در ایران و جهان: کاستی‌ها و بایدها» برگزار شد. در سالن فردوسی، پنج سخنرانی علمی انجام شد و در سالن حافظ نیز براساس اعلام پیشین قرار بود پنج مقاله به‌صورت سخنرانی علمی ارائه شود که تنها سه مورد از آن‌ها ارائه شد. در میزگردی نیز شرکت‌کنندگان، به شرح و بسط دیدگاه‌های خود در مورد موضوع می‌گردد با عنوان «آسیب‌شناسی علوم سیاسی» پرداختند. در این مورد نیز تنها یک نفر از دعوت‌شدگان حضور نیافت. در پایان، سخنرانی اختتامیه، با سخنرانی علمی دکتر سیدجواد طباطبایی، با عنوان «جایگاه ایران در علوم سیاسی امروز و آینده» انجام شد. در ضمن، چکیده مقاله‌های یازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران، در اختیار حاضران قرار گرفت.

با توجه به محتوای سخنرانی‌های علمی و نیز چکیده مقاله‌های منتشرشده به‌مثابه نمونه‌ای از جامعه آماری علوم سیاسی ایران، این پرسش قابل طرح است که این همایش، روی هم‌رفته، به چه میزان، با استانداردهای موجود همایش سالانه یک انجمن علمی، هماهنگی دارد؟ مجموعه محتوای در دسترس، تا چه حد، بیانگر بهبود و پیشرفت در علوم سیاسی ایران است؟ همسو با پرسش‌های پیشین، این پرسش نیز قابل طرح است که این همایش، تا چه حد می‌تواند به‌مثابه «دستاورد» یک‌ساله علوم سیاسی ایران قلمداد شود؟ گفتنی است که «استاندارد همایش سالانه انجمن علمی»

و همچنین «چگونگی بهبود و پیشرفت علوم سیاسی ایران»، در همین «دستاورد»، قابل تشخیص و تفکیک است. اگر از مجموعه اطلاعات ارائه شده، بتوان دریافت که به چه میزان، «دستاورد» یکساله علوم سیاسی ایران به نمایش گذاشته شده و در اختیار عموم قرار گرفته است، آن گاه می توان چگونگی بهبود و پیشرفت علوم سیاسی را نیز بررسی کرد؛ همان گونه که هماهنگی آن با استانداردهای همایش علمی، قابل تشخیص است. به هر حال، در اینجا ابتدا به «نگرش ها به همایش سالانه انجمن» خواهیم پرداخت، سپس بر مبنای تعریف و شاخص «دستاورد»، زمینه برای ارزیابی و سنجش مجموعه محتوای در دسترس، فراهم خواهد شد.

### ۱. نگرش ها به همایش سالانه انجمن

در مورد «همایش سالانه انجمن»، دو نگاه و نگرش زیر را می توان ترسیم کرد که بر اساس تجربه های برگزاری همایش های پیشین انجمن، طرح شده اند.

#### ۱-۱. همایش سالانه به مثابه ارائه هر ایده قابل طرح

شاید عده ای این گونه فکر می کنند که «همایش سالانه»، عرصه و امکانی برای طرح ایده های متفاوت است؛ ایده هایی حتی نه چندان معتبر یا شاید حتی ناسازگار با مشاهدات، تجربه ها، و واقعیت های غیرقابل انکار. به نظر آن ها، همین که استاد یا دانشجویی، دست به قلم برده و تراوشات ذهنی خود را بنویسد، برای چاپ و انتشار در چکیده مقالات یا حتی ارائه سخنرانی در همایش کافی است. بر اساس تجربه، این نگرش، در برخی از همایش های انجمن وجود داشته است.

#### ۲. همایش سالانه به مثابه ارائه مهم ترین دستاوردهای یکساله علوم سیاسی ایران

اگر این نظر پذیرفته شود که (۱) «همایش سالانه»، همایش تخصصی و حرفه ای استادان و دانشجویان رشته علوم سیاسی است؛ (۲) «همایش سالانه»، عرصه و امکانی برای ارائه مهم ترین دستاوردهای یکساله علوم سیاسی ایران است؛ (۳) «همایش سالانه»، خود می تواند به سنجه و معیاری برای بررسی چگونگی پیشرفت و بهبود علوم سیاسی ایران تبدیل شود؛ و (۴) «همایش سالانه»، به مثابه یک «نشان» تلقی شود و در نتیجه، ارائه سخنرانی یا چاپ چکیده مقاله، بیانگر سطح علمی و

تحلیلی بالای مقاله باشد، آن‌گاه می‌توان به بهبود و پیشرفت بیشتر علوم سیاسی ایران امیدوار بود. نویسنده این مقاله با چنین نگرشی به همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران نگریده و آن را تحلیل کرده است.

### ۳. تعریف و شاخص‌های «دست‌آورد»

یک انجمن علمی به صورت متعارف و معمول در طول یک سال، سخنرانی‌ها، کارگاه‌های آموزشی، نقد و بررسی‌ها، جلسه‌ها و همایش‌های گوناگونی با عنوان‌های متفاوت برگزار می‌کند. عمدتاً معیار انتخاب عنوان این بررسی‌ها و تحلیل‌ها، «اقتضائات و موضوعات پیرامونی و تخصصی» در رشته مربوطه است، اما «همایش سالانه انجمن» با این هدف برگزار می‌شود که «دست‌آوردها و نتایج» مطالعات و پژوهش‌های پژوهشگران و صاحب‌نظران در آن رشته تخصصی و علمی، به بحث و تبادل نظر گذاشته شود. مخاطبان از چنین گردهمایی‌ای، انتظار شنیدن تحلیل‌ها و دیدگاه‌های عمیق، دامنه‌دار، و روشمند دارند؛ بنابراین، غالباً سطح و درجه همایش سالانه انجمن‌های علمی، بالا است؛ به گونه‌ای که تنها برجستگان و پژوهشگران صاحب پژوهش‌های عمیق و ساختمان‌می‌توانند در چنین جلسه‌ای، یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های خود را مطرح کنند. با این توضیح، شاخص اصلی ارزیابی استاندارد بودن یا نبودن یک همایش سالانه، میزان «دقت، انسجام، اعتبار، و استنادهای یافته‌ها و نتایج» ارائه و اعلام شده است. این شاخص‌ها، همسو با مواردی هستند که در منابع معتبر رشته علوم سیاسی آمده است (مارش و استوکر، ۱۳۸۴: ۲۴-۳۰). اگر یافته‌های ارائه‌شده در این نوع همایش‌ها، براساس «پژوهش‌های عمیق، دامنه‌دار، و گسترده» باشد، نشان‌دهنده اعتبار و استناد سطح بالای آن است؛ در نقطه مقابل، اگر یافته‌ها و نتایج مطرح شده، تنها محصول نظروری و تصورات شخصی ارائه‌کننده باشد، بیانگر غیرعلمی و غیرتخصصی بودن آن است. به عبارت دیگر، یافته‌ها و نتایجی که بتواند مرز دانش مربوطه را یک گام به پیش برده و به توسعه آن بینجامد، تأییدگر هماهنگی همایش با تعریف موردنظر در این نوشتار است. با این تعریف، برخی شاخص‌های اصلی «دست‌آورد» مرتبط با بررسی وضعیت رشته علوم سیاسی ایران، به شرح زیر، فهرست و بیان می‌شود؛ شاخص‌ها و

مؤلفه‌هایی که به صورت استنباطی و استنتاجی از منابع معتبر حوزه روش‌شناسی علوم سیاسی برگرفته شده‌اند (های، ۱۳۸۵؛ باگلیونه، ۱۳۹۰؛ بورنهام و دیگران، ۱۳۸۸؛ سیدامامی، ۱۳۹۰؛ سنجابی، ۱۳۸۴؛ اردستانی، ۱۳۸۸؛ طاهری، ۱۳۸۰؛ سریع‌القلم، ۱۳۸۰؛ منوچهری، ۱۳۹۰؛ حقیقت، ۱۳۸۵؛ مارش و استوکر، ۱۳۷۸).

۱. بدیع و نو بودن متن ارائه‌شده (معیار نوآوری): براساس روش‌شناسی دانش مدرن به ایده‌ها، تحلیل‌ها، و نظریه‌های نو و متفاوت (در مقایسه با پژوهش‌های پیشین) نوآوری گفته می‌شود؛ به‌عنوان مثال، موضوعی مانند عدالت که دارای تعریف‌ها و تحلیل‌هایی از گذشته بوده است، آن‌گاه که اندیشمندی مانند جان رالز، نظریه‌ای متفاوت با دیگران ارائه می‌کند، ایده‌ای نوآورانه تلقی می‌شود؛

۲. معطوف به «مسائل و معضلات اصلی جامعه و حکومت ایران»: براساس دانش سیاسی، مسائل و موضوعاتی مانند ساختار قدرت سیاسی، دموکراسی، آزادی، افکار عمومی، حقوق بشر، جامعه مدنی، و احزاب سیاسی، ازجمله مهم‌ترین محورها و مسائل اصلی هر جامعه و حکومتی به‌شمار می‌آیند. وجود یا فقدان اشاره به چنین موضوعاتی در مورد جامعه و حکومت ایران، در سخنرانی‌ها و چکیده‌ها، معیار ارزیابی این شاخص خواهد بود؛

۳. برخورداری از پشتوانه نظری و چارچوب نظری مشخص و متقن: چارچوب نظری، به دو معنای محقق‌ساخته و نظریه‌های معتبر در یک رشته است. معنای اخیر که غالباً در عمل به‌کار می‌رود، با نظریه‌های معروف و رایج در رشته موردنظر، ارتباط پیدا می‌کند؛ به‌عنوان مثال، نظریه‌هایی مانند بازدارندگی، معمای دو زندانی، تصمیم‌گیری، و ساختار-کارگزار ازجمله این نظریه‌ها به‌شمار می‌آیند. استفاده از چنین نظریه‌هایی در سخنرانی‌ها و چکیده‌ها، به‌مثابه پشتوانه نظری، ملاک ارزیابی این شاخص خواهد بود؛

۴. پژوهش روشمند، پر دامنه، و گسترده (دربردارنده اطلاعات و داده‌های پایه‌ای): این معیار، به روش و رویه‌ای اشاره دارد که پژوهش در چارچوب آن انجام شده است؛ به این معنا که اطلاعات و داده‌ها، مبتنی بر رویه‌های مشخص و شناخته‌شده‌ای باشند که مرجعی برای پژوهش‌های دیگر (به‌مثابه پایگاه داده) قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال، در مورد موضوع انتخابات مجلس در ایران، مجموعه اطلاعات



پایه‌ای، پردامنه، و عمیقی را در اختیار بگذارد تا مورد استناد پژوهشگران دیگر قرار گیرد؛

۵. مقایسه‌ای براساس وجود «تشابه» در موضوع و «تفاوت» در نتیجه: دانش مدرن در پی کشف و صورت‌بندی قواعد مشابه در پدیده‌ها است. براساس روش‌های نوین در این دانش، فهم و استخراج وجوه تشابه پدیده‌ها و وجود نتایج متفاوت، اهمیت بسیاری دارد؛ به‌عنوان مثال، دو کشور ایران و کره جنوبی که در دهه ۱۹۶۰ به‌گونه‌ای مشابه برای نوسازی و توسعه اقدام کردند، در پایان کار، نتایج متفاوتی به‌دست آوردند. این‌گونه بررسی‌های مقایسه‌ای از منظر سیاست تطبیقی، دارای ارزش و اعتبار فراوانی است که در اینجا به‌عنوان یکی از معیارهای بررسی محتوایی سخنرانی‌ها و مقاله‌ها به‌کار می‌رود؛

۶. دربردارنده مسائل و معضلات اصلی رشته علوم سیاسی ایران: براساس داده‌های مقاله‌های تخصصی منتشرشده در مجله‌های معتبر دانشگاهی که معطوف به معضلات عینی رشته علوم سیاسی در ایران است (منابع معرفی شده در ذیل عنوان «مقدمه» در همین مقاله)، موارد زیر در طیف چنین مقوله‌ای قرار می‌گیرند: تمایل و گرایش نظم سیاسی مستقر به اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و رشته‌ها، دخالت نهادهای سیاست‌گذاری خارج از دانشگاه‌ها مانند ستاد انقلاب فرهنگی - در برنامه‌ریزی آموزشی رشته‌ها (عامل از بین رفتن استقلال نهاد دانشگاه) و مهاجرت نخبگان علمی به کشورهای بیگانه.

#### ۴. روش بررسی و تحلیل

همایش سالانه انجمن در سال ۱۳۹۶، دربردارنده سخنرانی‌های افتتاحیه و اختتامیه طولانی و گسترده، سخنرانی‌های علمی فراوان و متنوع، و چکیده مقاله‌هایی با گستردگی نسبتاً زیاد است. برای بررسی چنین مجموعه‌ای، برخلاف موضوعات محدود و موردی، شیوه بررسی و انتشار، شرایط ویژه‌ای دارد؛ به این معنا که به‌دلیل محدودیت چاپی در مجله‌های تخصصی، انتشار تمام محتوا و متون بررسی‌شده امکان‌پذیر نیست؛ ازاین‌رو، مانند موضوعات مشابه چاپ‌شده در مجله‌های دانشگاهی، تنها نتایج بررسی‌ها و تحلیل‌ها در معرض دید مخاطبان قرار می‌گیرد و

مستندات مربوط به آن در دفتر پژوهشنامه موجود است که در صورت نیاز پژوهشگران، در اختیار آنها قرار می‌گیرد.

مجموعه متون بررسی شده در این مقاله را می‌توان «نمونه»‌ای از کل جامعه علوم سیاسی ایران به‌شمار آورد، زیرا اگر پژوهشگری در نظر داشته باشد با مراجعه به جامعه علوم سیاسی ایران، با روش نمونه‌برداری تصادفی، دیدگاه‌های آنها را در مورد جامعه و سیاست در ایران و نیز علوم سیاسی ایران، دریافت و تحلیل کند، شاید بتوان گفت این امر در همایش سالانه به‌گونه‌ای منطقی و در یک روند طبیعی انجام شده است. شرکت‌کنندگان در همایش، از دانشگاه‌های مختلف دارای رشته علوم سیاسی از استان‌های گوناگون حضور داشته‌اند؛ همان‌گونه که از تهران نیز دانشگاه‌های مختلف آن (شهید بهشتی، تهران، خوارزمی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، و...) شرکت داشته‌اند؛ از این رو، می‌توان به نتایج زیر، به‌مثابه «اجماع نسبی جامعه علوم سیاسی ایران» نگریست و انتظار این است که نهادهای مرتبط با سیاست‌گذاری این رشته نیز این‌گونه به آن بنگرند.

شیوه بررسی سخنرانی‌ها و چکیده مقاله‌ها، دقیقاً هماهنگ با رویه‌های علمی متعارف بوده و تلاش شده است که محتوای سخنرانی‌ها و مقاله‌ها، با دقت زیاد به‌صورت موضوعی استخراج و تجزیه و تحلیل شود. همان‌گونه که در بالا مطرح شد، به‌دلیل محدودیت صفحه‌های چاپی مجله، در اینجا تنها نتایج به‌دست‌آمده و بخش محدودی از سخنرانی‌های افتتاحیه و اختتامیه (به‌دلیل اهمیتشان) ارائه شده است.

##### ۵. بررسی سخنرانی‌ها براساس مؤلفه‌های شش‌گانه «دست‌آورد»

سخنرانی علمی افتتاحیه، سخنرانی‌هایی که در قالب مقاله‌های برگزیده ارائه شد، و سخنرانی علمی اختتامیه، از جمله مواردی هستند که در اینجا بررسی و ارزیابی می‌شوند. آقای دکتر محمود سریع‌القلم، با محورهای مقدماتی‌ای مانند «ذهن پراکنده و ذهن متمرکز، خاص نبودن کشور ایران و ایرانیان، درک نادرست ایرانیان از تحولات اروپا و خارج از اروپا، چگونگی اعتبار برخی رشته‌های تجربی و مهندسی»، سخنرانی افتتاحیه خود را آغاز کرد. او سپس با پیش‌فرض «دولت‌ملت»

نبودن ایران، پنج مؤلفه، شامل «پذیرش اصل مقدس پلورالیسم؛ نیاز به قرارداد اجتماعی؛ حل سه‌گانه امنیت، هویت، و توسعه‌یافتگی؛ مدنیت و تقدم آن بر توسعه؛ و پذیرش جهانی‌شدن و ضرورت قفل‌شدن به اقتصاد جهانی» را برای دولت‌ملت شدن ایران ضروری دانست. به‌نظر سخنران، ما نباید به جهان «سیگنال‌های متناقض» بفرستیم؛ جهان از ما انتظار فرستادن سیگنال‌های دارای هارمونی دارد. یکی از ضرورت‌های کنونی برای «دولت‌ملت» شدن ایران، «قرارداد اجتماعی» است که براساس آن، شهروندی همه ایرانیان با تکثر اجتماعی پذیرفته شود؛ امری که موجب آرامش همه ایرانیان، سامان سیاسی مشروع، و تولید ثروت ملی می‌شود. به‌نظر سریع‌القلم، ما باید از طریق مناظره و گفت‌وگو، بحران نظری مربوط به سه‌گانه «امنیت، هویت، و توسعه‌یافتگی» را با توجه به تجربه‌های بشری، حل و فصل کنیم. شرح و بسط مفصل موارد پیش‌گفته توسط سخنران، نشان‌دهنده تأملات عمیق و دقیق وی در مورد محورهای مورد اشاره است.

دکتر سیدجواد طباطبایی، سخنرانی اختتامیه را با عنوان «جایگاه ایران در علوم سیاسی امروز و آینده» انجام داد. موضوع اصلی بحث این استاد برجسته علوم سیاسی، چگونگی شکل‌گیری نهاد دانشگاه در دنیا و ایران بود. تأسیس دانشگاه در ایران با گسست از نظام آموزشی موجود و الگوگیری از دانشگاه خارجی انجام شده است. موضوع دانشگاه باید «ایران‌شهر» باشد؛ موضوعی که باید سرلوحه تمام تلاش‌های دانشگاه‌ها برای پیشرفت و توسعه آن باشد. دانشگاه‌های کنونی در ایران با دو چالش جدی روبه‌رو هستند: از یک‌سو، ایدئولوژی‌های جدید و از سوی دیگر، نظام سنت متصلب. این چالش‌ها در عمل، امکان تحول و ترقی را از دانش و دانشگاه‌های ایران سلب کرده‌اند. در همین راستا، یک «نظام علم دیگر»، یعنی «حوزه»، بنابر منطق درونی خود، امکان بازسازی و نوسازی خود را ندارد و به همین دلیل، نمی‌توان از این سنت پایدار در ایران، انتظار بازسازی، تحول‌آفرینی، و زایش دانش نوین داشت. او در پایان اشاره کرد که اگر مصالح عالی یک ملت، در مرکز و محور دانشگاه‌ها و علم قرار گیرد، می‌توان انتظار داشت که دانشگاه در مسیر توسعه و ترقی کشور و ملت حرکت می‌کند.

با توجه به متن کامل این دو سخنرانی و با نظر داشت معیارهای شش‌گانه بالا،

دست کم می توان اذعان کرد که متن ها و مطالب مطرح شده در آن ها، دارای گونه ای از نوآوری، دربردارنده «مسائل و معضلات اصلی جامعه و حکومت ایران»، دارای پشتوانه و چارچوب نظری مشخص، برخوردار از داده های تاریخی و عینی قابل اعتنا، مقایسه های نسبتاً متعدد با جوامع دارای وضعیت مشابه اما نتیجه متفاوت در توسعه گرایی، و مسائل و معضلات اصلی رشته علوم سیاسی ایران بوده اند. در نتیجه، این دو سخنرانی را می توان تا حدودی و به گونه ای نسبی، به مثابه «دستاورد» به شمار آورد.

در نخستین نشست همایش با عنوان «علوم سیاسی در ایران امروز»، پنج سخنرانی علمی، در قالب مقاله های برگزیده، به ترتیب زیر ارائه شد: ۱. «اصلاح گری، احیاء گری، یا انکار گری؟» (دکتر جهانگیر معینی علمداری)؛ ۲. «در میانه علم و ایدئولوژی» (دکتر داوود فیرحی)؛ ۳. «علوم سیاسی حرف ندارد! علوم سیاسی حرف دارد! علم سیاست یا علوم سیاسی؟» (دکتر محسن خلیلی)؛ ۴. «نقد ساختاری برنامه نظام تحول در سرفصل های دوره کارشناسی علوم سیاسی (با تأکید بر رویکرد آموزش انتقادی قرن ۲۱)» (دکتر علی قربانپور دشتکی)؛ ۵. «تعلیق علم سیاست با تعمیق اسلامی سازی (تعمیق بحران های علم سیاست با پروژه بومی سازی)» (دکتر حسین جمالی). روی هم رفته، با نظر داشت محتوای سخنرانی های مطرح شده (موجود در کانال تلگرامی انجمن و دفتر پژوهشنامه) و چکیده مقاله های منتشر شده همایش (انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۶) می توان بیان کرد که بخش عمده مطالب، مربوط به «مسائل و معضلات علوم سیاسی ایران» بودند؛ برخی از آن ها، دارای نوآوری و برخی نیز دربردارنده چارچوب نظری مشخص بوده اند؛ در حالی که بعضی دیگر، فاقد معیارهای مسائل اصلی جامعه و حکومت ایران، پژوهش گسترده با داده های پایه ای، و مقایسه موارد مشابه دارای نتایج متفاوت بوده اند.

نشست دوم و سوم، به صورت هم زمان، در دو سالن فردوسی و حافظ، با محوریت موضوع «علوم سیاسی در ایران و جهان: کاستی ها و بایدها» برگزار شد. در سالن فردوسی، پنج سخنرانی، با عنوان های زیر، ارائه شد: ۱. علوم سیاسی آینده و آینده علوم سیاسی (دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی)؛ ۲. تحولات فناوری اطلاعات؛ چالش های مفهومی و عملیاتی در سیاست گذاری عمومی و علوم سیاسی

(دکتر کیومرث اشتریان)؛ ۳. تحول بومی دانش سیاست در آیین دانشگاه‌های ایران (دکتر فائز دین‌پرست)؛ ۴. آموزش علوم سیاسی در دانشگاه‌های آمریکا (دکتر سیدمحمدعلی تقوی)؛ ۵. علوم سیاسی ایرانی و فاصله روشی (دکتر علی صناعی). با مروری بر این سخنرانی‌ها می‌توان اذعان کرد که برخی از آن‌ها دارای نوآوری، برخوردار از پشتوانه نظری مشخص، گستره وسیع با داده‌های پایه‌ای مناسب، و توجه به مسائل و معضلات اصلی رشته علوم سیاسی، و درعین حال، فاقد اصل مقایسه موردنظر و نیز مسائل و معضلات اصلی جامعه و حکومت ایران بودند. در سالن حافظ نیز مقاله‌هایی با عنوان‌های ۱. ضرورت بازگشت علم سیاست ایرانی به ریشه‌های تاریخی خود؛ درآمدی مقایسه‌ای به علم سیاست کاربردی آمریکایی و علم سیاست انتزاعی ایرانی (دکتر شجاع احمدوند)؛ ۲. تحلیل محتوای موضوعی و استنادی مقالات مجله پژوهشنامه علوم سیاسی انجمن علوم سیاسی ایران (از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۶) (دکتر محمد بابایی)؛ ۳. استغنا از علوم سیاسی و اجتماعی در ایران (دکتر حمید نساج)، به صورت سخنرانی علمی، ارائه شد. با نظری به محتوای سخنرانی‌ها می‌توان این ارزیابی را ارائه کرد که بخش عمده آن‌ها به مسائل و معضلات اصلی رشته علوم سیاسی مربوط بودند؛ درحالی‌که تنها یک مورد از آن‌ها روش مقایسه‌ای را در دستورکار خود قرار داده بود؛ باوجوداین، بیشتر آن‌ها فاقد ویژگی‌های نوآوری، توجه به مسائل و معضلات اصلی جامعه و حکومت ایران، چارچوب نظری، و دامنه گسترده با داده‌های پایه‌ای بوده‌اند.

در میزگرد «آسیب‌شناسی علوم سیاسی»، آقایان دکتر سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، دکتر محمدباقر خرمشاد، دکتر قدیر نصری، دکتر سیدمسعود موسوی شفایی، و خانم دکتر حمیرا مشیرزاده به شرح و بسط دیدگاه‌های خود در مورد موضوع میزگرد پرداختند. گفتنی است که محتوای سخنان مطرح‌شده در این میزگرد، با معیارهای شش‌گانه موردنظر، هماهنگی نداشت؛ به این معنا که به جز یک یا دو مورد از سخنرانی‌ها که نشان‌دهنده رعایت برخی معیارها (تا حدودی) بودند، سایر موارد فاقد ویژگی‌های نوآوری، توجه به مسائل و معضلات اصلی رشته، چارچوب نظری، و انجام مقایسه بوده‌اند.

## ۶. بررسی چکیده مقاله‌ها با توجه به مؤلفه‌های شش‌گانه «دستاورد»

چکیده مقاله‌های یازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران با عنوان «وضعیت رشته علوم سیاسی؛ اکنون و آینده»، به‌لحاظ محتوایی بررسی و با شش مؤلفه یادشده، سنجیده شد. در این راستا، در مرحله نخست، تمام چکیده‌ها به‌صورت موردی و جداگانه براساس معیارهای شش‌گانه موردنظر، بررسی شدند و چگونگی نسبت آن‌ها با این معیارها، تحلیل محتوایی شد. در مرحله بعد، بنابر محتوای موجود، مقاله‌ها به سه دسته اصلی تقسیم شدند: ۱. مرتبط با وضعیت علوم سیاسی؛ ۲. در پیوند با علوم سیاسی متعارف و غیرمتعارف؛ ۳. دربردارنده مطالبی برای اصلاح و بازسازی علوم سیاسی. درنهایت، چگونگی حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای بودن ساختار چکیده، بررسی شد. نتایج به‌دست‌آمده از نخستین مرحله بررسی، به‌شرح زیر است. براساس داده‌های جدول شماره (۲) از ۸۵ چکیده منتشرشده، ۱۷ مورد، دارای عنصر «بدیع و نو بودن»، ۸ چکیده اشاره به «مسائل و مشکلات اصلی جامعه و سیاست ایران»، ۷ مورد دارای «پشتوانه و چارچوب نظری متقن»، تنها یک چکیده دارای ویژگی «گسترده‌گی و داشتن داده‌های پایه‌ای»، ۳ چکیده «مقایسه مورد مشابه اما با نتیجه متفاوت»، اشاره داشته‌اند و در آخرین معیار نیز ۲۰ چکیده به «مسائل و معضلات اصلی رشته علوم سیاسی ایران» پرداخته‌اند. نتیجه‌ای که از این قسمت به‌دست می‌آید، این است که از ۸۵ چکیده، ۵۶ مورد، دارای برخی مؤلفه‌های شش‌گانه بوده‌اند که ۷۰ درصد آن‌ها را دربر می‌گیرد. در نقطه مقابل، ۳۰ درصد مقاله‌ها، جزء ضعیف‌ترین مقاله‌ها و فاقد معیارهای شش‌گانه موردنظر بودند. از آنجاکه مهم‌ترین شاخص‌های دستاورد را می‌توان «بدیع و نو بودن، دارای پشتوانه و چارچوب نظری بودن، پژوهش عمیق با داده‌های پایه‌ای و مقایسه‌ای با وجود تشابه در صفت‌ها، اما با نتیجه متفاوت» دانست، با این معیارها، تنها ۲۸ مورد از این ۵۶ چکیده، یعنی حدود ۵۰ درصد، دارای اعتبار نسبتاً مناسب، به‌مثابه دستاورد تلقی می‌شوند. در این صورت، از مجموع ۸۵ چکیده منتشرشده، تنها ۳۲ درصد دارای شاخص‌های اصلی به‌عنوان دستاورد هستند. از این داده‌ها چنین برمی‌آید که در مجموع، چکیده مقاله‌های همایش سالانه انجمن، حداقل مطابقت را به‌لحاظ دستاورد یک‌ساله علوم سیاسی ایران دارند و به همین دلیل، ضرورت دارد که در انتخاب چکیده‌های رسیده به دبیرخانه همایش برای چاپ در مجموعه چکیده مقاله‌ها بیشتر دقت شود.

جدول شماره (۲). سنجش چکیده‌ها براساس معیارهای شش‌گانه «دست‌آورد»

مساءل و معضلات اصلى علوم سياسى ايران	مقايسه‌اى؛ با وجود تشابه، داراى تفاوت	پژوهشى عميق و گسترده و دامنه‌دار با داده‌هاى پاىه‌اى	داراى پشتوانه و چارچوب نظرى متقن	توجه به معضلات اصلى جامعه و سياست ايران	بديع و نو بودن
۲۰	۳	۱	۷	۸	۱۷

### ۷. بررسى چکیده مقاله‌ها با معيار علوم سياسى متعارف

از آنجا که بخش عمده چکیده مقاله‌ها، به صورت مستقيم يا غيرمستقيم، با علوم سياسى ايران پيوند داشته‌اند و اين ارزىابى نيز معطوف به «وضعيت رشته» است، سه بررسى مستقل و مفصل در مورد آن‌ها، با عنوان‌هاى «علوم سياسى متعارف و غيرمتعارف»، «وضعيت و شرايط علوم سياسى ايران»، و چگونگى «اصلاح و بازسازى اين رشته» انجام شد. در نخستين مقوله، چکیده‌ها به لحاظ قرار داشتن در چارچوب علوم سياسى متعارف و متداول در دانشگاه‌هاى علوم سياسى دنيا، بررسى شدند. علوم سياسى، هم‌تراز با ساير شعبه‌هاى دانش مدرن، داراى تعريف‌ها، مفاهيم، طبقه‌بندى‌ها، قواعد، و يافته‌هاى معتبرى است که آن را در چارچوب يک ديسپلین (رشته معتبر و مستقل دانشگاهى) قرار مى‌دهد (قوام، ۱۳۸۹؛ لفت و يچ، ۱۳۷۸؛ بال و پيترز، ۱۳۸۴؛ عالم، ۱۳۷۳؛ بشيريه، ۱۳۸۲؛ تنسى، ۱۳۷۹؛ هيوود، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۹). اين دانش، به معنای موردنظر در بالا، جريان اصلى<sup>۱</sup> اين رشته به‌شمار مى‌آيد. در نقطه مقابل، گرايش‌هاى نيز به‌سوى مطالعه و بررسى سياست با رويکردهاى تحول‌خواهانه راديکال، يا خواستار علوم سياسى با نگرش مارکسيستى، دينى، و جنسيستى (فمينيستى) وجود دارد. ويژگى اصلى اين رويکردها و نگرش‌ها، «ايدئولوژيک» بودن آن‌ها است (جمالى، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴). پس از بررسى چکیده مقاله‌هاى همایش سال ۱۳۹۶ انجمن به‌لحاظ نگارش در متن علوم سياسى متعارف يا با نگرش‌هاى تحول‌خواهانه بومی گرايانه با سويه‌هاى ايرانى و اسلامى، نتايج زير به‌دست آمده است.

جدول شماره (۳). نسبت چکیده‌ها با علوم سیاسی متعارف

در چارچوب علوم سیاسی متعارف	غیرمتعارف (تلفیقی از علوم سیاسی متعارف با اسلامی سازی، بومی سازی، شرقی)	غیرمتعارف (تعبیر بنیادین رشته علوم سیاسی)
۷۱	۴	۹

داده‌های جدول بالا، نشان‌دهنده این است که ۷۱ مورد از چکیده‌ها، دقیقاً در چارچوب علوم سیاسی متعارف به تحلیل موضوع انتخابی خود پرداخته‌اند. آن‌ها اساساً به تجزیه و تحلیل موضوع، خارج از مفاهیم، مقوله‌ها، روش‌ها، و آموزه‌های علوم سیاسی متداول در تمام دانشگاه‌های دنیا نیازی نداشته‌اند، اما در نقطه مقابل، تنها ۴ چکیده، درصدد تلفیق و بازسازی علوم سیاسی متعارف براساس آموزه‌ها و یافته‌های اسلامی و ایرانی بوده‌اند. البته برخی از آن‌ها در این سازواری و تلفیق، خواهان اصالت علوم سیاسی ضمن افزودن آموزه‌های اسلامی و ایرانی بوده‌اند. تنها ۹ مورد از چکیده‌ها، خواهان «دگرگونی بنیادین در علوم سیاسی ایران» بوده و اساساً در نظر داشته‌اند که «سازواره معرفتی متمایزی از علوم سیاسی متعارف» برسانند (چکیده مقالات همایش، ۱۳۹۶: ۳۰-۲۹). در مجموع این دو گونه از چکیده‌ها، ۱۳ مورد هستند که بیانگر دیدگاه حدود ۱۵ درصد از جامعه علوم سیاسی ایران است. به عبارت دیگر، یک اقلیت حدود ۱۵ درصدی از جامعه علوم سیاسی ایران چنین نگرشی دارند، در حالی که حدود ۸۵ درصد اعضای جامعه علوم سیاسی ایران، در چارچوب علوم سیاسی متعارف و متداول می‌اندیشند، می‌نویسند، و تحلیل می‌کنند. نکته جالب توجه این است که آن اقلیت، برخلاف این اکثریت، خواهان دانش همسو و هماهنگ با قدرت و نهاد سیاست در ایران هستند؛ به گونه‌ای که کارویژه اصلی آن را تولید بنیادهای مشروعیت قدرت سیاسی مستقر می‌دانند. ناگفته پیداست که چنین دانشی، حداکثر می‌تواند به توجیه ادعاها، تقاضاها، اقدامات، و عملکرد نظم سیاسی مستقر پردازد و از این‌رو، وجه انتقادی علوم سیاسی، روبه‌زوال می‌رود و به تعبیر فوکویی، تنها «همبسته دانش و قدرت» شکل می‌گیرد (ضیمران، ۱۳۹۳؛ بخشایش اردستانی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد، اکثریت جامعه علوم سیاسی ایران برای دانش، یک رسالت ذاتی قائل است که باید تمام تلاش‌های خود را برای کشف حقیقت و بهبود شرایط زندگی سیاسی به‌کار



گیرد. در این راستا، داشتن رویکرد انتقادی برای بهبود و اصلاح وضع موجود، ضروری تلقی می‌شود.

#### ۸. بررسی چکیده مقاله‌ها بر اساس معیار وضعیت علوم سیاسی

در این قسمت، چکیده مقاله‌ها، بر اساس تعبیرهای بیان‌شده توسط جامعه علوم سیاسی ایران (بنابر نمونه آماری متکی به نمونه‌گیری تصادفی مورد نظر این مقاله)، در مورد «علوم سیاسی ایران» ارزیابی می‌شوند. در اینجا، پرسش‌های اصلی عبارتند از اینکه: «وضعیت علوم سیاسی ایران در زمانه کنونی چگونه است؟» «چه ویژگی‌ها و شرایطی بر آن حاکم است؟» «اصحاب علوم سیاسی به همان معنای نمونه آماری-آن را چگونه توصیف می‌کنند؟»

از منظر نویسندگان چکیده مقاله‌ها، وضعیت علوم سیاسی ایران، در بردارنده مواردی مانند بحران‌های علوم سیاسی ایران، مشکلات و معضلات موجود بر سر راه آن، ناکارآمدی این دانش، نگرش به شدت بدبینانه به علوم سیاسی، مداخله نهاد قدرت در این رشته (رابطه دانش و قدرت)، و تحلیل طبقاتی آن است. تمام این تعبیرها، واژگان، و ویژگی‌ها در جدول شماره (۴) به اختصار ارائه و در پایان، نتایج به دست آمده تحلیل شده‌اند.

جدول شماره (۴). تعبیرهای به کار رفته در مورد علوم سیاسی ایران

بحران‌های علوم سیاسی ایران	مشکلات و معضلات موجود بر سر راه علوم سیاسی ایران	ناکارآمدی علوم سیاسی	نگرش به شدت بدبینانه به علوم سیاسی	مداخله نهاد قدرت در علوم سیاسی (رابطه دانش و قدرت)	تحلیل طبقاتی علوم سیاسی ایران	متفرقه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اسلامی سازی (و بومی سازی)</li> <li>- فقدان استقلال و از دست رفتن مرجعیت</li> <li>- بی نیازی به علوم سیاسی</li> <li>- دوپارگی: علوم سیاسی متعارف و بومی سازان</li> <li>- وجود «شبه علم» در علوم سیاسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گسترش بی رویه رشته</li> <li>- بحران اشتغال</li> <li>- اشغال جایگاه‌ها و مناصب سیاسی توسط غیر متخصصان</li> <li>- روزمرگی انجمن‌های علمی</li> <li>- تربیت سیاسی منجر به ظهور «تبعه متظاهر»</li> <li>- کم توجهی به آثار کلاسیک ایرانی</li> <li>- کم توجهی به اقتصاد سیاسی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کاربردی نبودن</li> <li>- انتزاعی بودن</li> <li>- ضعف ارتباط آموزش و پژوهش سیاسی با مسائل عینی و انضمامی جامعه</li> <li>- عدم پاسخ گویی به مسائل، پرسش‌ها و دغدغه‌های جامعه ایران</li> <li>- ضعف اثرگذاری</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خاستگاه غربی و وارداتی علوم سیاسی</li> <li>- غیر بومی بودن درس‌ها</li> <li>- نامتناسب با اندیشه‌ها و باورهای اسلامی</li> <li>- حاکم بودن نظریه‌های خردگرا تا معناگرا</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تلاش برای ارائه نسخه‌ای از علم سیاست همسو با مناسبات سیاسی مستقر</li> <li>- قدرت سیاسی بر فراز نهاد علم و دانشگاه</li> <li>- ساماندهی و مدیریت رشته علوم سیاسی تحت نظارت نهادهای سیاسی و ایدئولوژیک خارج از دانشگاه</li> <li>- تلاش برای سازگار کردن علوم سیاسی با گفتمان حاکم پس از انقلاب</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تعلق استادان و صاحب نظران رشته علوم سیاسی به بخشی از طبقه متوسط شهری مدرن</li> <li>- نادیده انگاشتن منافع طبقاتی بخش‌های دیگر جامعه ایرانی</li> <li>- نداشتن رسالت علمی برای پاسخ گویی به مسائل و مشکلات طبقاتی به غیر از اقشار محدودی از طبقه متوسط مدرن (به همراه نقد رادیکال نگرش سایر طبقات و گروه‌های مرجع رقیب)</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وضعیت آشفته علوم سیاسی</li> <li>- کم تعداد بودن زنان تحصیل کرده علوم سیاسی در جامعه علوم سیاسی ایران</li> <li>- دغدغه اصلی استادان: تأمین منافع شخصی با شیوه‌های متفاوت و متنوع</li> </ul>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

داده‌های جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که دانشوران علوم سیاسی، این دانش را دچار چالش‌ها، بحران‌ها، معضلات، و ناهمواری‌های بسیار خطیری تشخیص داده‌اند. برخی موارد که بیانگر شدت و حاد بودن مشکلات و معضلات است، با عنوان «بحران» مطرح شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اسلامی‌سازی، از دست رفتن مرجعیت، بی‌نیازی، دوپارگی، و تشدید روند «شبه‌علم» در آن. از معضلات و مشکلات دیگر موجود بر سر راه علوم سیاسی می‌توان به گسترش بی‌رویه این رشته، بحران اشتغال، اشغال مناصب و مقام‌های سازمانی سیاسی و برخی کم‌توجهی‌ها در این رشته اشاره کرد. برخی از نویسندگان از ناکارآمدی و غیرکاربردی بودن یا شدن علوم سیاسی سخن گفته‌اند. به نظر آن‌ها، انضمامی، حل‌مسائلی، و کاربردی نبودن پژوهش‌های علوم سیاسی، در این طیف قرار دارد. برخی از تعبیرها و اصطلاح‌های به‌کاررفته در برخی چکیده‌ها، نشان‌دهنده نگرش به‌شدت بدبینانه به علوم سیاسی است. آن‌ها بر این نظرند که خاستگاه و بنیاد علوم سیاسی در ایران، غربی و وارداتی، و در نتیجه در تضاد با اندیشه‌ها و باورهای اسلامی است. بخش دیگری از تحلیل علوم سیاسی در ایران به موضوع مهم نسبت دانش و قدرت مربوط می‌شود. در این مبحث، به مجموعه تلاش‌های قدرت سیاسی برای مداخله در علم سیاست ایران توجه شده است؛ تلاش‌هایی که در صدد تولید دانش سیاسی، همسو با نظام مستقر بوده‌اند و در نتیجه، کارویژه اصلی آن‌ها، منحصر به مشروعیت‌بخشی به نظم مستقر است. در تعدادی از چکیده‌ها نیز علوم سیاسی ایران، تحلیل طبقاتی شده است. از این منظر، چون اصحاب علوم سیاسی، خود از طبقه متوسط شهری هستند، دانش تولیدشده توسط آن‌ها نیز به همین طبقه منحصر و محدود است و به همین دلیل، از حل مسائل اساسی جامعه ایران ناتوان است.

برای سنجش میزان واقعی بودن تعبیرهای به‌کاررفته در چکیده‌ها، لازم است که این تعبیرها براساس «واقعیت‌های مشهود جامعه ایران امروز» پالایش شوند؛ براین اساس، تعبیرهای موجود در چکیده‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. تعبیرها و واژگانی که با مشاهدات اولیه یا تأملات عمیق، کاملاً قابل قبول و نزدیک به واقعیت به‌شمار می‌آیند؛ به‌عنوان مثال، بی‌نیازی سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران از علوم سیاسی، بحران اشتغال تحصیل‌کردگان علوم سیاسی، اشغال

مقام‌ها و مناصب سیاسی (عمدتاً سازمان‌های اداری عهده‌دار امور سیاسی) توسط غیرمتخصصان، تلاش برای تولید نسخه‌ای از علم سیاست همسو با مناسبات سیاسی مستقر، ساماندهی و مدیریت رشته علوم سیاسی تحت نظارت نهادهای سیاسی و ایدئولوژیک خارج از دانشگاه، کم‌تعداد بودن زنان تحصیل‌کرده علوم سیاسی در جامعه علوم سیاسی ایران، از جمله آن‌ها هستند؛

۲. تعبیرها و اصطلاح‌های نادرست و بی‌مبنا که با ذهنی‌گرایی صرف یا بدون اطلاعات لازم و مناسب، به‌کار رفته‌اند؛ به‌عنوان مثال، انتزاعی بودن، ضعف ارتباط آموزش و پژوهش سیاسی با مسائل عینی و انضمامی جامعه، عدم پاسخ‌گویی به مسائل، پرسش‌ها، و دغدغه‌های جامعه ایران، و... دلیل نادرست بودن موارد یادشده این است که بدون مراجعه به مجموعه علوم سیاسی ایران (شامل استادان، پژوهشگران، کتاب‌ها، و مجله‌های این حوزه از دانش) حکم به انتزاعی بودن و انضمامی نبودن پژوهش‌ها و پاسخ‌گو نبودن به پرسش‌ها داده شده است. همه این ادعاها در مورد علوم سیاسی ایران، مبتنی بر «قضاوت‌ها و داورهای شخصی» هستند و هیچ‌گونه استنادی به منابع موردنظر ندارد.

علوم سیاسی در یک بستر و زمینه کاملاً مشخص مطرح است و نمی‌توان بدون استناد به این بستر و زمینه، در مورد آن اظهارنظر کرد. علوم سیاسی ایران در «انجمن علوم سیاسی ایران»، «دانشگاه‌های ایران در مراکز مختلف، مانند تهران، اصفهان، مازندران، مشهد، و...»، «فصلنامه‌های تخصصی وابسته به دانشگاه‌های ایران»، «استادان صاحب‌نام و برجسته علوم سیاسی ایران»، «همایش‌های علمی و تخصصی»، و کتاب‌های منتشرشده در این زمینه، ظهور و تحقق دارد. پرسش اساسی در اینجا، این است که اساساً طرح این‌همه «ادعا» در علوم سیاسی ایران، بر چه پایه و اساسی استوار است؟ اگر به‌گونه‌ای دقیق، گسترده، و موشکافانه به علوم سیاسی ایران مراجعه شود، مشخص خواهد شد که تولیدات و محصولات این دانش، کاملاً وجه کاربردی و انضمامی دارند و اتفاقاً درصدد پاسخ‌گویی به نیازها و پرسش‌های اجتماع امروزی ایران نیز هستند. با مراجعه به مجموعه کتاب‌ها و مقاله‌های صاحب‌نظران اصلی علوم سیاسی ایران، معلوم می‌شود که آن‌ها درصدد توضیح و تبیین مسائل و معضلات

اصلی جامعه و حکومت ایران هستند و برای برون‌رفت از آن‌ها نیز راه‌حل‌های تجربه‌شده در دنیا را پیشنهاد می‌دهند؛ به‌عنوان نمونه، آثار اصحاب علوم سیاسی ایران، از جمله حسین بشیریه («دیب‌چ‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی»، ۱۳۸۱؛ «جایگاه منافع ملی در سیاست‌گذاری داخلی ایران»، ۱۳۸۰؛ «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی ایران»، ۱۳۸۳)، سیدجواد طباطبایی («دیب‌چ‌ای بر نظریه انحطاط ایران»، ۱۳۸۰؛ «تأملی درباره ایران، حکومت قانون در ایران»، ۱۳۸۶؛ «درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی ایران»، ۱۳۷۶؛ «زوال اندیشه سیاسی در ایران»، ۱۳۷۳)، محمود سریع‌القلم («جهانی‌شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۴؛ «مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه چین و ایران»، ۱۳۹۰؛ «دگرگشت ذهنیت ایرانی: سنگ بنای توسعه»، ۱۳۸۲)، سیداحمد موثقی («اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی»، ۱۳۸۵؛ «نوسازی و اصلاحات در ایران؛ از اندیشه تا عمل»، ۱۳۸۵)، عباس حاتمی («دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب؛ تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی در جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی، و پیدایش دولت غیریکپارچه در ایران»، ۱۳۸۷؛ «الگوی آونگی: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۹)، محمدتقی دلفروز («دولت و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا»، ۱۳۹۳)، سیدمحمدعلی حسینی‌زاده («اسلام سیاسی در ایران»، ۱۳۸۵)، در این چارچوب قرار دارند.

این عنوان‌ها خود بیانگر نسبت مستقیم تولیدات علوم سیاسی ایران با جامعه ایران و سیاست در آن هستند. در این منابع، موضوع‌هایی مانند توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی ایران کنونی، فقدان یا ضعف دولت توسعه‌گرا، فرهنگ سیاسی غیرمشارکتی، ساختار شبه‌دموکراتیک نظم مستقر، سیاست‌گذاری مخالف با مصالح عالیه ملت، جامعه و بسیج توده‌ای، و چگونگی تعامل با نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ، از جمله مواردی هستند که توسط صاحب‌نظران علوم سیاسی، بنابر دانش تخصصی و تجربه‌های عملی در کشورهای مختلف، بررسی و تحلیل شده‌اند؛ موضوع‌هایی که کاملاً انضمامی و در ارتباط با مسائل و معضلات اصلی جامعه و

حکومت کنونی ایران هستند؛

۳. تعبیرها و اصطلاح‌هایی که به تفسیر و تفصیل نیاز دارند. مواردی مانند ناکارآمدی و غیرکاربردی بودن، وارداتی بودن، غربی بودن، و ناسازگاری با باورها و اندیشه‌های اسلامی، از جمله این موارد هستند. در اینجا، این پرسش مطرح می‌شود که ناکارآمدی و غیرکاربردی بودن علوم سیاسی به چه معناست؟ اگر بی‌نیازی جامعه و حکومت ایران به علوم سیاسی، موجب ناکارآمدی و غیرکاربردی شدن آن باشد، این به آن معنا است که خود علوم سیاسی ایران، به طور ذاتی و به خودی خود، ناکارآمد نیست، بلکه بی‌نیازی صاحبان قدرت از این دانش، آن را ناکارآمد کرده است؛ از این رو، بین ناکارآمدی و غیرکاربردی بودن محتوای یک دانش و ناکارآمدی آن به دلیل بی‌نیازی از آن، تفاوت جدی وجود دارد. اصطلاح‌های وارداتی و غربی بودن و ناسازگاری با باورهای اسلامی نیز دچار چنین معضلی است. وارداتی و غربی بودن، با این جهت‌گیری بیان می‌شود که اولاً منکر بنیاد دانش و علوم انسانی به گونه‌ای حرفه‌ای و تخصصی بوده و ثانیاً، دانش را به لحاظ جغرافیایی، به شرقی و غربی تقسیم‌بندی می‌کنند. در مورد ناسازگاری دانش سیاسی با اسلام نیز به بیان این نکته بسنده می‌کنیم که تنها تفسیر فقیهانه و رسمی از اسلام، به چنین باور و ایده‌ای منجر می‌شود؛ در حالی که سایر تفسیرهای اسلامی، اساساً به چنین ناسازگاری‌ای نمی‌انجامند (شبه‌ستری، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱؛ وکیلی، ۱۳۷۶؛ پورسعید، ۱۳۸۳؛ حسینی، ۱۳۹۳؛ شیرودی، صدرا، و حسینی، ۱۳۹۵؛ آقاحسینی و مهدی‌پور، ۱۳۹۳؛ سروش، ۱۳۷۶، ۱۳۸۶، و ۱۳۹۳؛ روشن و شفیع‌ی، ۱۳۸۹؛ فدایی، ۱۳۸۸؛ مرتضوی، ۱۳۸۸؛ ایلانلو، ۱۳۸۶؛ کدیور، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸؛ ملکیان و دیگران، ۱۳۸۸).

#### ۹. بررسی چکیده مقاله‌ها براساس بازسازی و اصلاح علوم سیاسی ایران

در برخی چکیده مقاله‌ها، پیشنهادها و نظراتی برای بازسازی علوم سیاسی ایران مطرح شده‌اند. مجموعه این نظرات در قالب ۱۱ مقوله در جدول شماره (۵) ارائه شده‌اند.

جدول شماره (۵). بازسازی و اصلاح علوم سیاسی

ردیف	راه‌حل‌ها	شماره و صفحه مقالات	تعداد	درصد
۱	اصلاح واحدهای آموزشی براساس اشتغال دانش‌آموختگان بیکار	ش ۱/ص ۲۱	۱	
۲	بازگشت به سنت اندیشه و حکمرانی ایرانی-اسلامی (سنت بوروکراتیک و اداری و متون اندرزنامه و سیاست‌نامه)	ش ۷/ص ۲۳، ش ۴۰/ص ۸۸، ش ۵۸/ص ۱۱۹، ش ۷۵/ص ۱۵۳	۴	۱۸
۳	ضرورت تمرکز علوم سیاسی بر توسعه اقتصادی و دولت توسعه‌گرا	ش ۶۴/ص ۱۲۹	۱	
۴	مرجعیت و استقلال علوم سیاسی (در مقایسه با دانش‌های تغذیه‌کننده آن)	ش ۵۵/ص ۱۱۴، ش ۶۹/ص ۱۳۹، ش ۸۵/ص ۱۷۳	۳	۱۳
۵	بازسازی و اصلاح بر مبنای دستاوردهای علم سیاست جهانی	ش ۹/ص ۳۷، ش ۵۹/ص ۱۲۱	۲	۹
۶	بازسازی با الهام‌گیری از گنجینه‌های فکری تمدن شرقی	ش ۲۰/ص ۵۵	۱	
۷	ضرورت اصالت دادن به منابع اولیه و متون مرجع	ش ۲۱/ص ۶۶	۱	
۸	ضرورت جهت‌گیری «حل‌مسائلی و کاربردی» به‌جای مباحث نظری	ش ۳۳/ص ۷۴، ش ۳۷/ص ۸۲	۲	۹
۹	راه‌حل رادیکال شامل «تغییر مفاهیم و مقوله‌های این عرصه، شکستن پیوندهای معرفتی و تحلیلی این سازواره معرفتی-تاریخی»؛ «انقلابی در علوم سیاسی برای پر کردن شکاف کنش سیاسی ایرانیان و دانش سیاسی»؛ «نظریه‌های بدیل در علم سیاست بر بنیاد اخلاق و نه قدرت براساس اسلام» و «بنیانگذاری علوم اسلامی ایرانی به‌جای مبنای فکری غربی»	ش ۵/ص ۲۹، ش ۳۵/ص ۷۸، ش ۵۷/ص ۱۱۷، ش ۷۱/ص ۱۴۳	۴	۱۸
۱۰	راه‌حل تلفیقی و سازشی (اسلامی-ایرانی همراه با دانش سیاسی متعارف)	ش ۲/ص ۲۳، ش ۴۶/ص ۹۸	۲	۹
۱۱	نقش فرهنگ اسلامی-ایرانی در روابط بین‌الملل در عصر جهانی‌شدن	ش ۸۳/ص ۱۶۸	۱	
		جمع	۲۲	

داده‌های جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که از میان ۲۲ چکیده‌ای که به بازسازی و تحول در علوم سیاسی ایران نظر داشته‌اند، بیشترین تعداد آن‌ها به‌ترتیب، خواهان «بازگشت به سنت اندیشه و حکمرانی ایرانی-اسلامی (سنت بوروکراتیک و اداری و متون اندرزنامه و سیاست‌نامه)» و راه‌حل‌های رادیکال (هر دو به یک اندازه، یعنی به تعداد ۴ مقاله و ۱۸ درصد از کل ۲۲ مورد) بوده‌اند. مسئله «مرجعیت و استقلال علوم سیاسی (در مقایسه با دانش‌های تغذیه‌کننده آن)» با ۳ مورد و حدود ۱۳ درصد از کل، در رتبه بعدی قرار دارد. همچنین، سه راهکار «بازسازی و اصلاح بر مبنای دستاوردهای علم سیاست جهانی»، «ضرورت جهت‌گیری «حل‌مسائلی و کاربردی» به‌جای مباحث نظری، و «راه‌حل تلفیقی و سازشی (اسلامی-ایرانی همراه با دانش سیاسی غربی)»، در

رتبه سوم قرار دارند که هریک با دو چکیده، حدود ۹ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان، شاید سه مورد، بیش از همه نیاز به شرح و بسط دارد:

۱. بازگشت به سنت اندیشه و حکمرانی ایرانی-اسلامی (سنت بوروکراتیک و اداری و متون اندرنامه و سیاست‌نامه): به نظر می‌رسد، کسانی که خواهان چنین بازگشتی هستند، به این نکته اساسی و کلیدی توجه ندارند که متون سیاسی کلاسیک بر پرسش دانش سیاسی قدیم «چه کسی حکومت می‌کند؟» بنا می‌شوند، در حالی که دانش سیاسی نوین، بر مبنای پرسش «چگونه حکومت می‌شود؟» تأسیس می‌شود. در مورد اینکه چگونه می‌توان پاسخ به این پرسش جدید را در آن متون قدیم یافت، نمی‌توان پاسخ متقاعدکننده‌ای یافت؛

۲. راه حل رادیکال: رویکردهای بنیادگرایانه و رادیکال در قلمرو دانش و علم، به لحاظ روش‌شناسی، کاملاً نامتعارف و غیرقابل قبول هستند. بین گسست و تداوم در دانش، گسست مورد نظر آنان که بنیادبراندازانه است، نه تنها به دانش سیاسی ایران کمکی نمی‌کند، بلکه همین اندوخته کنونی را نیز بر باد می‌دهد. انقلاب در دانش بنابر نیازهای اجتماعی و به دست اصحاب علم، در خدمت پیشرفت و توسعه جامعه قرار می‌گیرد، اما تحول خودخواسته اقلیتی که خود نیز نماینده اقلیتی در جامعه ایران است، تنها به همان سرنوشتی دچار می‌شود که علوم سیاسی چین در دوره مائو دچار آن شده بود (حسینی واسوکلابی و جمالی، ۱۳۹۴، ۷۸-۳۵). علوم سیاسی برآمده از این رویکرد، تنها عهده‌دار مشروعیت بخشی به نظام سیاسی موجود می‌شود. افزون بر این، دانش، به لحاظ مضمونی و روشی، دارای رویه و ساختار ویژه خود است که در یک فرایند طولانی و مداوم به دست می‌آید. روند تولید دانش، همانند عرصه سیاست نیست که در آن انقلاب اجتماعی و سیاسی رخ می‌دهد؛

۳. راه حل تلفیقی و سازشی (اسلامی-ایرانی همراه با دانش سیاسی متعارف): شاید سخن گفتن از «اسلامی-ایرانی» با بهره‌گیری از دانش و روش هرمنوتیک و تمایز قائل شدن بین متن و تفسیر، چندان موجه نباشد. ما امروزه با تفسیرهایی از اسلام سروکار داریم که در قالب «اندیشه‌ها و متون مسلمین» ارائه شده است؛ از این رو، این ادعا که می‌توان به آموزه‌ها و حقایق «اسلامی» توسل جست و دانش سیاسی را با تلفیق آن ساخت، اساساً بر انگاره‌های نادرستی استوار است. نمی‌توان به این پرسش که «کدام اندیشه و متون مسلمانان، مبنای تلفیق قرار می‌گیرد» پاسخ درخور و متقاعدکننده‌ای داد.



تنوع و تکرر اندیشه‌های مسلمانان به اندازه‌ای است که رسیدن به وحدت نظر را دشوار و حتی غیرممکن می‌کند؛ در نتیجه، چون امروزه رسیدن به حقایق مطلق اسلامی برای ما ناممکن است، تحقق ادعای بالا نیز امری ناممکن به شمار می‌آید.

### ۱۰. تلاش برای بهبود ساختار چکیده مقاله

به منظور تأکید بیشتر بر ضرورت اصلاح و بهبود روند پذیرش و چاپ چکیده مقاله‌ها، موارد مهم این موضوع در مطرح شده‌اند تا در نتیجه پذیرش و اعمال آن، «مجموعه چکیده مقاله‌های همایش سالانه انجمن»، به صورت یک متن علمی و معتبر درآید؛ به عبارت دیگر، اعتبار حرفه‌ای و تخصصی همایش سالانه، دقیقاً مدنظر قرار گرفته و سنگ بنای محکمی برای اعتباریابی و ارزش‌گذاری مقاله‌ها در حد و اندازه همایش سالانه انجمن گذاشته شود.

به لحاظ حرفه‌ای، چکیده، به منزله «عصاره مقاله کامل شده» است. از این منظر، پژوهشگر با آغاز، انجام، و تمام کردن پژوهش در مورد موضوع مورد بررسی، اقدام به نگارش «چکیده» می‌کند. ساختار چکیده علمی، در بردارنده طرح مسئله، پرسش پژوهش، پاسخ‌های نخستین (فرضیه)، و مهم‌تر از همه، «نتایج و یافته‌های پژوهش» است. هنگامی که چکیده مقاله‌های یازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران با این معیار بررسی و ارزیابی می‌شوند، متأسفانه تعداد قابل‌توجهی از آن‌ها، فاقد معیارها و استانداردهای چکیده‌نویسی حرفه‌ای و تخصصی هستند. جدول شماره (۶) میزان هماهنگی چکیده‌ها با معیارهای چکیده‌نویسی حرفه‌ای را نشان می‌دهد. براساس داده‌های این جدول، تنها ۲۹ چکیده، برخی از معیارها را رعایت کرده بودند؛ در حالی که ۱۸ مورد، از کمترین معیارها برخوردار بودند، اما بیشتر چکیده‌ها (۳۸ مورد) اساساً فاقد معیارهای چکیده‌نویسی تخصصی بودند. به همین سبب، مشخص کردن دقیق موارد و معیارهای چکیده‌نویسی، در فراخوان، ضروری است.

جدول شماره (۶). عمومی و تخصصی بودن چکیده‌ها

نسبتاً تخصصی	خیلی کم تخصصی	عمومی
۲۹	۱۸	۳۸

براساس رویه‌های حرفه‌ای و تخصصی، ساختار چکیده مقاله به صورت زیر است:  
 ۱. عنوان مقاله؛ ۲. نویسندگان و درجه علمی آن‌ها؛ ۳. «طرح مسئله» (به اختصار)؛ ۴.

پرسش پژوهش (که به صورت منطقی، از درون طرح مسئله برمی آید)؛ ۵. پاسخ اولیه به پرسش پژوهش (فرضیه یا ایده)؛ ۶. روش آزمون فرضیه یا ایده؛ ۷. نتایج و یافته‌ها (در این میان، مهم‌ترین مورد در چکیده مقاله، «نتایج و یافته‌ها»ی پژوهش است که به اختصار در چکیده می آید)؛ ۸. کلیدواژه‌ها. انتظار این است که این دستورالعمل در «فراخوان همایش» گنجانده و اعلام شود که معیار پذیرش چکیده و چاپ آن در مجموعه چکیده مقاله‌های همایش، رعایت این استاندارد و دستورالعمل است. اگر همایش سالانه، این استاندارد تخصصی را در نظر بگیرد و چکیده مقاله‌ها را با این معیار، ارزیابی، و پذیرش، یا رد کند، گام بنیادین برای «تخصصی شدن و حرفه‌ای شدن» همایش سالانه برداشته می‌شود. با چنین روندی، می‌توان پیشنهاد داد که مقاله‌های انتخاب‌شده، به صورت «ویژه‌نامه فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی» انجمن، چاپ و از مزایای مقاله علمی-پژوهشی برخوردار شود. البته، امکان تحقق چنین کاری، پیشاپیش، مستلزم رایزنی با مسئولان فصلنامه و دستیابی به توافق است.

#### ۱۱. ارزیابی همایش در مقایسه با همایش سالانه ۱۳۹۵

آخرین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران (اسفند ۱۳۹۶)، با این ایده بررسی و ارزیابی شد که نتایج به دست آمده از این پژوهش را می‌توان به مثابه «اجماع نسبی جامعه علوم سیاسی ایران» در نظر گرفت. بررسی یازدهمین همایش سالانه انجمن، در مقایسه با همایش دهم (اسفند ۱۳۹۵)، نشانه‌هایی از پیشرفت و بهبود در علوم سیاسی ایران را نشان می‌دهد (متن ارزیابی همایش سالانه ۱۳۹۵ که توسط نویسنده تهیه شده است، در دفتر پژوهشنامه موجود است و در صورت نیاز، در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد). این نشانه‌های پیشرفت و بهبود در چهار محور «متن سخنرانی افتتاحیه»، «متن سخنرانی اختتامیه»، «مقدمه علمی و حرفه‌ای دبیر همایش در چکیده مقاله‌ها»، و «متن بخشی از سخنرانی‌ها و چکیده‌های ارائه شده»، قابل مشاهده است. در سخنرانی افتتاحیه، «محورها و مسائل»، از انسجام منطقی مناسبی برخوردار بوده و مطالب ارائه شده، کاملاً متقن و مبتنی بر آموزه‌های علمی و حرفه‌ای بوده است. این صاحب نظر و نظریه پرداز توسعه در ایران، برخی لوازم و شرایط کنونی جامعه ایران را برای توسعه‌گرایی موفق، به تصویر کشید؛ از این رو، سخنان سخنران افتتاحیه، کاملاً به دور از فضا و شرایط احساسی و خطابی بوده و با موازین

علمی به معنای مدرن کلمه هماهنگ بود. سخنران اختتامیه نیز با تأملات جدی در مورد چگونگی شکل‌گیری دانش و دانشگاه در ایران، ضرورت‌ها، شرایط، و لوازم دانشگاه مدرن در ایران را شرح و بسط داد. او با توضیحات تاریخی، بیان کرد که اگر دانشگاه در ایران بخواهد نقش و کارکرد حقیقی خود را ایفا کند، باید بر «ایران»، به‌منزله موضوع اصلی دانشگاه تمرکز کند. انتخاب این سخنرانان با این محتوا، می‌تواند به‌مثابه نشانه‌ای از ترقی و پیشرفت در علوم سیاسی ایران به‌شمار آید. مقدمه دبیر علمی همایش در چکیده مقاله‌های منتشرشده نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود؛ مقدمه‌ای که با بیان روند تاریخی شکل‌گیری علوم سیاسی در ایران و چالش‌های گذشته و کنونی آن، کاملاً به‌دور از سویه‌های ایدئولوژیک نوشته شده است. نویسنده این مقدمه توانسته است به‌دور از روایت رسمی و حکومتی در مورد علوم انسانی و علم سیاست، روندها، شرایط، و وضعیت علوم سیاسی کنونی ایران را در یک فرایند تاریخی ترسیم کند. افزون‌بر این، با تمرکز بر آخرین محور، یعنی برخی مقاله‌های گزینش و ارائه‌شده در قالب سخنرانی، می‌توان چشم‌انداز روشن‌تری برای علوم سیاسی ایران ارائه داد. برخی از مقاله‌های ارائه‌شده، از جایگاه علمی، انسجام منطقی، و محتوای پژوهشی مناسبی برخوردار بودند؛ بنابراین، در مجموع می‌توان یازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران را گام مثبتی در راستای بهبود و پیشرفت علوم سیاسی در ایران ارزیابی کرد. در این میان، شاید، چکیده مقاله‌های این همایش، نشان از روند بهبود و پیشرفت نداشته باشد که این امر نیز ممکن است به‌سبب اتخاذ نگرش «همایش سالانه به‌مثابه ارائه هر ایده قابل‌طرح» باشد.

## ۱۲. نسبت علم سیاست و نظام سیاسی (به‌جای نتیجه‌گیری)

یکی از مسائل مرتبط با علوم سیاسی، نسبت این دانش با نظام سیاسی حاکم است. در اینجا، این مسئله مهم بررسی می‌شود که پیشرفت یا رکود علوم سیاسی، بنا بر تجربه‌های تاریخی، در کدام نظام‌های سیاسی قابل طرح و تبیین است. ساموئل هانتینگتون، از دانشمندان برجسته علوم سیاسی، در هشتادوسومین نشست سالانه انجمن علم سیاست آمریکا، در ۳ سپتامبر ۱۹۸۷ در شیکاگو، طی یک سخنرانی علمی با عنوان «آهسته و پیوسته: علم سیاست و اصلاحات سیاسی»، به‌گونه‌ای نسبتاً مفصل به موضوع‌هایی مانند «نسبت علم سیاست و دموکراسی»، «فقدان مشارکت

سیاسی و علم سیاست»، و «جوامع اقتدارگرا و امکان علم سیاست بالنده و پویا» پرداخت. بنابر تحلیل متکی به واقعیت‌های تاریخی او، «از نظر تاریخی، علم سیاست و دموکراسی گرایش داشته‌اند که به‌همراه هم و هم‌زمان توسعه یابند. رابطه تاریخی بین علم سیاست و اصلاحات سیاسی در تاریخ امریکا، معنای بسیار خاصی دارد. پیدایش علم سیاست، «بخشی از جنبش گسترده «اصلاحات ترقی‌خواه» در زندگی سیاسی و فکری آمریکا» در اواخر سده نوزدهم بود. در غیاب مشارکت سیاسی، محال است بتوان عالم سیاست داشت و علم سیاست، تنها با گسترش مشارکت سیاسی توسعه می‌یابد. در جامعه‌ای که هیچ مشارکتی (رقابت برای کسب قدرت) وجود ندارد، عالمان علم سیاست، کاری برای انجام دادن ندارند. در نتیجه، عجیب نیست که رونق بازار، موجب رونق کار اقتصاددانان و رونق دموکراسی، موجب رونق کار عالمان سیاست می‌شود. ما یک علم دموکراتیک سیاست داریم؛ به همان اندازه که دموکراسی، یک نظام جهان‌شمول حکومت است، این علم نیز یک علم جهان‌شمول است. در جایی که دموکراسی قوی باشد، علم سیاست نیز قوی است و زمانی که دموکراسی ضعیف باشد، علم سیاست ضعیف است. از جوامع اقتدارگرا ممکن است در بعضی موارد فیزیک‌دانان، زیست‌شناسان، رمان‌نویسان، و دولت‌مردان برنده جایزه نوبل برآیند و این‌گونه نیز بوده است، لیکن عالمان سیاست طراز اول از آن‌ها برنمی‌خیزند. پیدایش دموکراسی به توسعه علم سیاست کمک می‌کند و توسعه علم سیاست در مقیاسی کوچک، در پیدایش و باثبات‌سازی دموکراسی مشارکت می‌کند» (هانتینگتون و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۷-۲۶).  
 براین اساس، شاید، یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با وضعیت علوم سیاسی ایران، ماهیت نظام جمهوری اسلامی باشد که هم به‌لحاظ نظری و هم در جریان تجربه سیاست‌ورزی و حکمرانی حدود چهل ساله خود، چالش‌های جدی‌ای با آموزه‌ها، مناسبات، و نهادهای دموکراتیک داشته است (بشیریه، ۱۳۸۱؛ موثقی، ۱۳۸۵؛ حسینی‌زاده، ۱۳۸۵). به‌نظر می‌رسد، وضعیت علوم سیاسی در گذشته و اکنون ایران، همچنان در تناظر با ساختار و عملکرد جمهوری اسلامی است که امکان پویایی، بالندگی، بهبود، و پیشرفت را به آن می‌دهد یا نه؛ سایر عوامل مؤثر در رونق یا رکود این دانش در ایران نیز با این عامل، پیوند مستقیم دارد.\*

## منابع

- اردستانی، علی (۱۳۸۸)، ساختار و ماهیت روش‌شناسی در علم سیاست، تهران: نشر قومس.
- افتخاری، قاسم (۱۳۸۵)، «بررسی روش‌شناختی پایان‌نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵.
- انجمن علوم سیاسی ایران (۱۳۹۶)، چکیده مقالات یازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران؛ وضعیت رشته علوم سیاسی، اکنون و آینده.
- ایلانلو، مژگان (به‌اهتمام) (۱۳۸۶)، عرفان و انسان امروز؛ گفت‌وگوهایی با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، دکتر یحیی یثربی، دکتر محسن کدیور و...، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- آقاحسینی، علیرضا؛ مهدی‌پور، آسیه (۱۳۹۳)، «موج سوم مدرنیته و دو روایت روشنفکری رضا داوری اردکانی و عبدالکریم سروش بعد از انقلاب اسلامی»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶.
- باگلیونه، لیزا ای (۱۳۹۰)، روش نگارش مقاله پژوهشی در علوم سیاسی، ترجمه محسن خلیلی و رضا دانشمندی، مشهد: مرنديز.
- بال، آلن ر؛ پیترز، ب گای (۱۳۸۴)، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.
- باوی، محمد (۱۳۷۷)، «گزارش‌های علمی: وضعیت رشته علوم سیاسی در ایران»، مجله علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۳.
- بخشایش اردستانی، محمد (۱۳۸۸)، «فوکو و نظریه دانش، قدرت، و رژیم حقیقت»، دانشنامه، مقاله ۳، دوره ۲.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹)، «گزاره‌های دینی و بومی‌سازی مبنایی در علوم انسانی و سیاسی»، فصلنامه پژوهش سیاست، شماره ۲۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، «نگاهی به سرفصل‌های درسی رشته علوم سیاسی»، سخن سمت، دوره ۷، شماره ۸.
- برزگر، ابراهیم؛ سرپرست‌سادات، سید ابراهیم (۱۳۸۹)، «علوم سیاسی؛ پروژه‌ای میان‌رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱.
- بزرگمهری، مجید (۱۳۸۹)، «پیش‌درآمدی بر بحث اسلامی‌سازی دانش سیاست در ادبیات دانشگاهی ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران»، فصلنامه ناقد، شماره ۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، «جایگاه منافع ملی در سیاست‌گذاری داخلی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول و دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، احیای علوم سیاسی، گفتاری در پیشه سیاستگری، تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تألیفی)، تهران: نشر نگاه معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- بورنهام، پیتر و دیگران (۱۳۸۸)، روش‌های پژوهشی در سیاست، ترجمه سید محمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پزشگی، محمد (۱۳۹۳)، «پارادایم‌های علم: آیا علم سیاست دارای پارادایم می‌باشد؟»، مجله علوم سیاسی، شماره ۶۷.
- پورسعید، فرهاد (۱۳۸۳)، «هویت مدرن دینی و طرح ناتمام روشنفکری؛ تأملی در نظریات هویت‌شناختی دکتر عبدالکریم سروش»، مطالعات ملی، شماره ۱۸.
- تقوی، سید محمدعلی؛ ادیبی، مهسا (۱۳۸۹)، «ضعف سنت «نقد» در پژوهش علوم سیاسی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- تنسی، استفان دی (۱۳۷۹)، مبانی علم سیاست، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر دادگستر.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۹)، «نقش و تأثیر پارادایم‌های روش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه بر نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- جمالی، حسین (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی آزمون‌های ۵ سال اخیر کارشناسی ارشد علوم سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، «تجزیه و تحلیل واحد درسی «مبانی اندیشه‌های سیاسی در اسلام»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «بومی‌گرایی در علوم سیاسی؛ کدام جهت‌گیری»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری آزمون ارشد علوم سیاسی (مطالعه موردی آزمون ۱۳۷۸)»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱.
- حاتمی، عباس (۱۳۸۷)، «دولت و اقتصاد در ایران پس از انقلاب؛ تأثیر سیاست‌های بازتوزیعی در جدال‌های هرمنوتیکی، طبقاتی و پیدایش دولت‌غیریکپارچه در ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «الگوی آونگی: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره دوم.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۵)، «آموزش درس اصول روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های

- ایران: آسیب‌ها و راهکارها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «تدریس روابط بین‌الملل در ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- حسینی، کاظم؛ صدرا، علیرضا؛ شیرودی، مرتضی (۱۳۹۵)، «مشروعیت تطبیقی در اندیشه سکولاریستی ایران معاصر (با تأکید بر دیدگاه‌های مهدی بازرگان، عبدالکریم سروش، حائری یزدی)»، فصلنامه سیاست، شماره ۹.
- حسینی واسوکلایی، سیدصمد؛ جمالی، حسین (۱۳۹۴)، «امکان یا امتناع «بومی‌سازی علوم سیاسی» در پرتو تجربه علوم سیاسی چین»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره دوم.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۵)، *اسلام سیاسی در ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)، *روش‌شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه علوم انسانی مفید.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، «آسیب‌شناسی رشته علوم سیاسی در ایران»، *مجله راهبرد فرهنگ*، شماره ۱۹.
- خلیلی، محسن (۱۳۸۹)، «بنیان‌گذاری گروه درس‌های روش‌شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی»، *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای علوم انسانی*، شماره ۱.
- دلآوری، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «ویژگی‌ها و گرایش‌های علوم سیاسی در ایران: نگاهی از دریچه نشریات تخصصی این رشته»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۵.
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳)، *دولت و توسعه اقتصادی، اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا*، تهران: آگاه.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، «چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲.
- روشن، امیر؛ شفیع‌سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۰-۱۳۸۹)، «تفسیر دین و تأثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی محمد مجتهد شبستری و محمدتقی مصباح یزدی»، *پژوهش سیاست نظری*، شماره ۹.
- ستوده‌کار، محمد (۱۳۷۲)، «سیاست مقایسه‌ای با ابعاد نظریه‌پردازی: رهیافت‌های تاریخی و همبستگی در ساختمان تئوری»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۲۹.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۶)، «حقانیت، عقلانیت، هدایت»: گفت‌وگوی کیان با عبدالکریم سروش درباره پلورالیسم دینی، *کیان*، شماره ۴۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، *آئین شهریاری و دینداری: سیاست‌نامه*، تهران: صراط.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، *رازدانی و روشنفکری و دینداری*، تهران: صراط.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، *صراط‌های مستقیم*، تهران: صراط.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، *قبض و بسط تئوریک شریعت: نظریه تکامل معرفت دینی*، تهران: صراط.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۳)، «جایگاه برداشت‌های مشترک نخبگان در توسعه‌یافتگی»، *مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۷۹ و ۸۰.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، «جهانی‌شدن، حاکمیت ملی و جمهوری اسلامی ایران»، مجله راهبرد، شماره ۳۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «دگرگشت شخصیت ایرانی: سنگ بنای توسعه کشور»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۱ و ۱۹۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، «سخنرانی علمی: تأملی آسیب‌شناسانه در مسئله فرار مغزها»، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۱۴.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، «مفهوم قدرت و عملکرد سیاست خارجی: مقایسه ایران و چین»، مجله روابط خارجی، شماره ۹.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر فرزاد روز.
- سنجابی، علیرضا (۱۳۸۴)، روش‌شناسی در علم سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۷)، «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران؛ برخی راهکارهای عمل‌گرایانه»، مجله دانش سیاسی، شماره ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰)، پژوهش در علوم سیاسی؛ رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ضیمران، محمد (۱۳۹۳)، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: هرمس.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم سیاسی، تهران: نشر قومس.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۶۷)، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات کویر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، «تأملی درباره ایران»، جلد دوم، نظریه حکومت قانون در ایران؛ بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه‌خواهی، تبریز: انتشارات ستوده.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲)، «تأملی درباره ایران»، جلد نخست، دیباچه‌ای بر نظریه انحطاط ایران، تهران: نشر نگاه معاصر.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- فدایی مهربانی، مهدی (۱۳۸۸)، «بررسی مقایسه‌ای مفهوم اومانیزم در اندیشه سید حسین نصر و محمد مجتهد شبستری»، علوم سیاسی دانشگاه آزاد کرج، شماره ۹.
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۹)، سیاست‌شناسی؛ مبانی علم سیاست، تهران: سمت.
- کدیور محسن (۱۳۸۷)، دفتر عقل (مجموعه مقالات فلسفی-کلامی)، تهران: اطلاعات.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، حق‌الناس (اسلام و حقوق بشر)، تهران: کویر.
- کدیور، محمدعلی (۱۳۸۶)، گذار به دموکراسی؛ ملاحظات نظری و مفهومی، تهران: گام نو.
- کریمی، علی (۱۳۸۵)، «تأثیر مطالعات اسلامی در علوم سیاسی، بررسی موردی اساتید و دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه مازندران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۵.



- کینگ، گری؛ اشلوزمن، کال لهمان؛ نای، نورمن (۱۳۹۶)، *آینده علوم سیاسی*، ترجمه محسن عسگری جهقی، تهران: نشر ثالث.
- لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۷)، *تحولات جدید در علوم سیاسی*، ترجمه سید احمد موثقی، تهران: نشر میزان.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۹)، *ایمان، آزادی، تهران: طرح نو*.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، *نقدی بر روایت رسمی از دین (بحران‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها)*، تهران: طرح نو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۱)، *هرمنوتیک، کتاب و سنت*، تهران: طرح نو.
- مرتضوی، سید خدایار (۱۳۸۸)، «نسبت‌سنجی هرمنوتیک و حقوق بشر در نگرش دینی مجتهد شبستری»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۵.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰)، «تحولات جدید نظری در روابط بین‌الملل: زمینه مناسب برای نظریه‌پردازی بومی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲.
- مشیرزاده، حمیرا؛ مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۹)، «نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی رساله‌های دکتری»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵)، «بررسی توصیفی عناوین پایان‌نامه‌های رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۵.
- مقصودی، مجتبی؛ حیدری، شقایق (۱۳۸۹)، «الزامات بازنگری درس «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»؛ مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۲.
- ملکیان، مصطفی و دیگران (۱۳۸۸)، *سنت و سکولاریسم: گفتارهایی از عبدالکریم سروش*، محمد مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، و محسن کدیور، تهران: صراط.
- منوچهری، عباس (به اهتمام) (۱۳۹۰)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۵)، «اقتصاد سیاسی ایران در دوره جمهوری اسلامی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۷۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *نوسازی و اصلاحات در ایران: از اندیشه تا عمل*، تهران: قومس.
- نظری، علی‌اشرف (۱۳۹۶)، «تحلیل و ارزیابی وضعیت رشته علوم سیاسی در ایران: سنجش نگرش استادان علوم سیاسی دانشگاه تهران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۱.
- وکیلی، والا (۱۳۷۶)، «گفت‌وگوی دین و سیاست در ایران: اندیشه‌های سیاسی عبدالکریم سروش»، ترجمه سعید محبی، کیان، شماره ۳۷.
- های. کالین (۱۳۸۵)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل‌محمدی، تهران: نشر نی.
- هرسیج، حسین (۱۳۸۰)، «روش مقایسه‌ای: چرایی و چگونگی به‌کارگیری آن در علوم سیاسی»، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، شماره ۱.

هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.  
Ira, Katznelson (Editor), Helen V. Milner (Editor) (2010), *Political Science: State of the Discipline (Centennial Edition)*, American Political Science Association.

